

چند کلمه در رابطه با طبقه کارگر در ایران

در تضاد کار و سرمایه و تمامی تحولات اجتماعی ؛ محک و معیار چپ یا راست بودن ؛

تنها و فقط

در رابطه با منافع طبقه کارگر معنا دارد

در ایران و در ذهن بسیاری از ایرانیان ؛ آن هنگام که از طبقه کارگر نام میبریم عادتاً ، به صورتی خود به خود و به شکلی سنتی ، این موضوع به ذهن متبادر می‌گردد ، که طبقه کارگر ؛ تنها به کسری یا کسانی اطلاق می‌گردد که یک چکش در دست و بر روی سندان مشغول ساختن داس برای بزرگراست ... ؛ یا در کارخانه ای و کارگاهی با ابزار سنگین و طاقت فرسا مشغول به کار میباشند و بقیه افراد جامعه ؛ هیچ اهمیتی ندارد ؛ به چه صورت نیروی کارشان را به فروش میرسانند ؛ از خرده بورژواها و غیر از طبقه کارگر میباشند . این کنش خود بخودی از آنجا ناشی می‌گردد که در طول تاریخ ؛ مولدین جامعه همواره ودر سیستم سرمایه مخصوصاً ؛ کارگران از زحمتکش ترین و محروم ترین های جامعه بوده اند . البته امروز بنا به شرایط زندگی طبقه کارگر در ایران و تشدید تضاد کار و سرمایه و گوناگونی شکل تبلور این تضاد ؛ باعث می‌گردد که تا حدود فراوانی در ذهن ؛ این درهم ریختگی تشدید گردد . برای شناخت اینکه در طبقه بندی اجتماعی چه کسانی و تا چه اندازه و در چه مقیاسی در ردیف طبقه کارگر قرار میگیرند ویا ؛ تولید کنندگان و سرویس دهندگان در بخش های تولید و خدمات ؛ تا چه اندازه خود را در جهت و همنوای با لشکر یان کار میداند و یا اساساً هستند ؛ و آیا از اشرافیت کارگری اند و یا خرده بورژواهای خانه خرابی که برای امرار معاش خود و خانواده هایشان موقتاً مجبور به فروش نیروی کار خود گردیده اند (آیا در میان کارگران نیستند کسانی که به لحاظ اندیشه در رویاهایشان بجواهرت صاحب کارخانه گردند ! و در این مسیر در راه اما مش جان هم فدا نمائیم ؟) ؛ و یا کسانی که در قسمتهای اشرافیت کارگری (آریستوکراسی کارگری) در بخش های مختلف صنعت و تکنولوژی و یا خدمات مشغول به کارند و یا ؛ آیا تحرک و جابجائی طبقاتی تا چه اندازه تحت تاثیر افکار و اندیشه میتواند باشد ؟ همانگونه که بر همگان روشن است و بصورتی کلاسیک نیز معمول بوده ؛ امروز در ایران ؛ بطور کلی و به لحاظ طبقاتی ، طبقه کارگر ؛ کسانی را شامل می‌گردد که از خود سر ما یه ای ندارند و در تولید و تقسیم کار اجتماعی برای ادامه حیات مجبور به فروش نیروی کار فکری و یا کار جسمی خود هستند ؛ در این راستا آگاهی طبقاتی و دانش مبارزاتی طبقه کارگر و شناخت از موقعیت و جایگاه طبقاتی و متحدین دائمی و موقت خویش ؛ به منظور رهائی از ؛ از خود بیگانگی ، به اندازه خود جنبش عملی و مبارزه طبقاتی ؛ اهمیت دارد ؛ در رژیم مافوق ارتجاعی خمینی هم چون رژیم شاهنشاهی و بر مبنای روش همان سیاست های ارتجاعی و کهنه پادشاهان قاجاری و وابسته و اساساً سیاست های کلونیالیستی سرمایه داری غرب بعد از سالهای 1800 : کل جامعه را حراج نما و با حمایت امپریالیستها از طریق واردات ثروت بیندوز ؛ یک تیر و دو نشان را مشخصاً و با دقت و وسواس کامل دنبال مینمایند ؛ یک ؛ اینکه از طریق حراج نفت و معادن و مواد اولیه و خام در مقابل واردات و محصولات تولیدی و مصرفی با شیوه دلالی و غارت و ساخت و پاخت های مافیائی و در نتیجه با سهولت بیشتری ثروت و دسترنج مردم را بدون حساب و کتاب غارت نموده و در بانکهای خارج از ایران پس انداز مینمایند یا سهام بورس و شرکتها و مناطق و می خرند و دیگر اینکه ؛ متعاقب این عمل از رشد صنعت و طبیعتاً رشد و آگاهی و انسجام طبقه کارگر و به لحاظ طبقاتی دو قطبی شدن هر چه بیشتر جامعه جلوگیری مینمایند . و بدینوسیله بیشتر مورد حمایت ؛ حامیان امپریالیست شان قرار میگیرند و اگر هر بده بستان و قهر و آشتی بین رژیم تهران و امپریالیست ها و کرکس های جهانی در منطقه و در رقابت با هم بر سر مسائل گوناگون انجام میگیرد ؛ در هر صورت در خاتمه دعوا ؛ ایران سهم یکی از این دزدان میشود که در تقسیم مناطق برای مدتی غارت گردد و با باجی که داده میشود یکی از امپریالیستها دهنه سایر رقبا را در دست داشته باشد ؛ در دعوای بین امپریالیستها و در عمل نیز تمامی آثار امتیاز دهی و باج گیری از مردم و باج دهی را میتوان دید و که در این جا بحث در این

(ص-2) مورد به درازا خواهد کشید؛ با افزایش وزن واردات و شرایط ویژه سرمایه داری و ابسته در ایران و حاکمان مافیا؛ انگل ودلالان؛ مهمتر از هر موضوعی عدم تمرکز کارگران و تضعیف هر چه بیشتر زمینه تشکل یابی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران را دستور کار حکومت خود دارند و به پیش میبرند و همزمان هر نوع تلاش برای تشکل و اعتراضی را با زندان و شلاق و شکنجه و ترور و ... جواب میدهند و یک سیاست ایدائی همیشگی را به صورتی سیستماتیک به طبقه کارگر تحمیل نموده اند. هدفشان از این کار سیستماتیک ایدائی؛ تبدیل همه کارگران خانه خراب به سیاهی لشکر و لمپن پرولتاریا و دلال و دست فروش و جدا نمودن پیشروان کارگری از سایر هم زنجیرانشان است؛ آگاهانه و نقشه مند و مکمل این سیاست های ضد بشری و امام پسند شان سانسور و خفقان و دیکتاتوری؛ ایجاد اغتشاش فکری در مورد تضاد کار و سرمایه در میان توده عوام و در نهایت امر در تاریکی فکر؛ **عدم انسجام اندیشه و تشکل** و باز تولید پراکندگی توده های کار در عمل روز مره و زندگی میلیونها مردم و **جدا نمودن پیشروان کارگری از توده طبقه**؛ بمنظور غارت امکانات و رفاه توده های میلیونی؛ درهم ریزی زمینه تمامی همبستگی ها بین فعالین و پیشروان کارگری و طبقه کارگر و عدم انسجام و همبستگی بین خود کارگران و زحمتکشان و را با برنامه پیش میبرند؛ همزمان با تشکیل نیروهای مختلف سرکوب از میان همان لمپن پرولتاریای از خود بیگانه و خانه خراب؛ به جای ایجاد کار و کارخانه و واحد های تولیدی و رشد و شکوفائی اقتصاد جامعه و رهایی از قید و بند های وابستگی به اقتصاد مریض سرمایه جهانی؛ و جلوگیری از بر باد رفتن حاصل دست رنج مردم و ثروت های افسانه ای منابع کار و ذخائر و معادن ایران که میتواند متعاقب آن آزادی و شکوفائی انسان را به ارمغان بیاورد به تشکیل لشکر بیکاران و خانه خرابان و تطمیع همان انسانهای از خود بیگانه و از همه جا رانده بر مبنای مفت خوری از حراج تمامی ثروت های ایران؛ بنام بسیج و ثار الله و جند ... الله؛ ولی الله و فقی الله و برای سرکوب هر نوع صدای اعتراضی میپزدازد؛ نیروئی که با ید نیروی کار باشد؛ به نیروی خرابکار جامعه و سرکوب گر و آدم کش تبدیل گردیده و گویا روزی آنها اجرشان را از آقا امام زمان دریافت خواهند نمود؛ فعلاً در این دنیا مبالغی را پیش قسط دریافت مینمایند تا در آن دریا هم این لمپن پرولتاریای سرگردان همراه با جناب سرگروه بان قندالی و سر پاسبان و سردار و فلان ساوآمائی و گروه بان های یک شبه ژنرال عمامه در سر و لمپن و سایر نیروهای سر کوب گر که از خود به جز باتوم و دستبند و تفنگ های دستشان سر مایه ای ندارند و یا تفاله های اجتماع تحت نام های گوناگون در عوض شرکت در تولید و رفاه اجتماعی و آفرینش امکانات برای کل جامعه به مثابه انگل و مفت خور و سر بار جامعه به اذیت و آزار مردم میپردازند پایه و بنیاد همه این مشکلات از یک سیستم و رژیم توتالیتر و قرون وسطائی ناشی میگردد که این موضوع خود بحث دیگری را میطلبد و در صورت لزوم به این تناقض در تقسیم کار اجتماعی و نقش لمپن پرولتاریا و بسیج و سایر باید پرداخت؛ از این نظر این مطلب را در اینجا مطرح مینمایم که در بین بسیاری از مردم ایران و حتی بعضاً روشنفکران؛ این توهم وجود دارد؛ که گویا آنهایی که در کار گاه ها و کارخانه ها به کار مشغول نیستند و یا احياناً دستشان به دهنشان میرسد و احتمالاً یکی دو درجه بالا تر از خط فقر امرار معاش مینمایند و یا دارای حتی یک عدد پیکان مثلاً سال 1347! هم میباشند؛ از طبقات از ما بهترانند و یا چون مثل برادران و خواهران کارگر خود با و سایل و ابزار سنگین دست و پنجه نرم نمی نمایند و یا در کنار تسمه نقاله ها جزئی از چرخه تولید نگردیده اند؛ و یا در کشتار گاهها و تره بار فروشی ها و در حال دوندگی نیستند و مثلاً با قلم و کاغذ و یا با تخته سیاه و یا تخت های بیمارستان و احياناً رسانی نامه ها و یا راندن کامیون ها و تاکسی ها و بار خالی نمودن ها و خلاصه در بخش خدمات و بیشتر سر و کار دارند؛ بنابر این ربطی به طبقه کارگر ندارند جدا از تفسیر ها و زاویه های مختلف از بینش های گوناگون فرهنگی در میان اقشار و طبقات که در هر اجتماعی وجود دارد به نظر من، برای دریافتی علمی و منطقی و راه کاری صحیح؛ از مجموعه تضاد های در هم تنیده اجتماعی در ایران؛ هر یک از این مجموعه موضوعات را میبایست با محک **تضاد کار و سرمایه** سنجید و بررسی نمود؛ تا برای پیدا نمودن راه کار های جدید و دیدی روشن و ... مهم تر از هر موضوعی؛ از ترس افتادن در چاه خمینی دیگری؛ به چاله همان خمینی اما اینبار از طرف پیش دچار نگردیم؛ داشتن قطب نمائی همه جانبه در دست برای تشخیص موقعیت خود و سایر متحدان و دشمنان موقت و مرحله ای یا طولانی مدت؛ برای دیدن و همراهی نیروهای اجتماعی همسو؛ در برنامه های استراتژیک و طولانی مدت و یا احياناً موردی و کوتاه مدت به اندازه خود جنبش اهمیت دارد؛ البته در بسیاری موارد این کار به صورتی خود به خودی و از طریق فشار سر مایه و خانه خرابی برای توده های میلیونی ملموس و عملی میگردد. ولی توجه فعالین جنبش به آن اهمیت بسیار دارد؛ با یک تشخیص غلط و راست روانه براحتی میتوان به دام راست ها افتاد و از برندگی جنبش کاست و یا با یک چپ روی احمقانه

(ص - 3) بسیاری از متحدان ولو موقتی را به سوی جبهه دشمن روان گردانید و بر علیه خود جنبش بکار برد در هر دو صورت چپ و راست دو روی یک سکه خواه رخ گردید . کما اینکه در همین برآ مد اخیر بعد از تقلبات انتخابات دور دهم ؛ بسیاری از دوستان و رفقای چپ نمای ما با نام و پرچم سرخ طبقه کارگر و انقلاب ؛ در عمل در کنار خامنه ای قرار داشتند همانگونه که بعضی ها نیز انگار امام مهدی موعود به سرا غشان آمده و سر از پا نمی شناختند و همراه با رسانه های امپریالیستی ؛ موسوی را حلوا حلوا می نمودند و تصمیم داشتند در صورت امکان کشتار سال 67 دیگری را محض گل روی موسوی به راه بیندازند . به همین خاطر برای داشتن دید و بینشی واقعی و منطقی تر ؛ شناختن صف بندی ها و نیروها بر اساس جایگاه شان در چرخه تولید و سهم بری از تولید اجتماعی و مراحل مختلف پیشرفت و پس رفت جنبش با تمامی ابعادش بدون در نظر گرفتن قهر و آشتی های خاله فریده با عمه پروانه و ننه من غریب بازی های سر کوجه ای بسیار لازم و ضروری است ؛ که متأسفانه این مشکل به شیوه های گوناگون ؛ در بین نیروهای مدعی مدافع جنبش های کارگری تاحدود فراوانی رواج دارد ؛ فکر مینمایند که هر کس بیشتر تلاش نماید که طبقه کارگر فراوان تری را در جیب خود و سازمان و حزبش به چپاند کارگری تر و چپ تر و انقلابی تر می باشد ؛ و با این پتک خیالی تصمیم دارند ، در صورت امکان در این دنیای واقعی ؛ رقبا را به دریا ، همه این رفقا منتظرند که تمامی طبقه کارگر و کل جنبش را در حزب خود به چپانند و در ادامه ؛ قدرت دولتی را در قبضه خود گیرند و کمیته مرکزی و رهبر کمیته مرکزی و عمو استالین و مسعود و مریم و بقیه مسائل را خود حدس بزنید تکرار مسخره تاریخ و به عبارتی روشن تر در شرایط مشخصی که ما فعلاً در آن قرار داریم ؛ نقش خود آگاهی فروشندگان نیروی کار از موقعیت و شرایط زندگی شان و سهم بری از منافع اقتصادی در جامعه برای تشکل یابی و همدلی و مبارزه ؛ برای امروز و فردای جنبش و حتی سوسیالیزم بسیار ضروری و حیاتی است ؛ اگر حتی در ذهن و مطابق وهم و خیال در جهتی دگر بیند یشیم ؛ ولی در عمل می توان خلاف آن را لمس نمود ؛ مثلاً ؛ آن هنگام که دلالان و سودجویان و باند های مافیائی درون و بیرون رژیم اجناس را گران مینمایند ؛ همه مردم و مخصوصاً ؛ فروشندگان نیروی کار هر یک به نسبتی ؛ از کمبود ها و فشار های اقتصادی در رنجند برای تمامی مردم ایران که در برابر این رژیم توتالیتر قرار دارند بخوبی آشکار است که رژیم نماینده و تیلور سیستم سر مایه است و تمامی مزد و حقوق بگیران و زحمتکشان مورد استثمار سر مایه در کنار هم و همراه هم قرار دارند ؛ جدا از علت سیستم دلالی و حراج سرمایه های مردم و تبدیل هر کدام از آنها به یک دلال و دست فروش و کوچکتر که با این وسیله در چشم هم و ذهن مردم خاک میپاشد ؛ در بین تولید کنندگان ؛ جدائی مصنوعی و غیر واقعی بوجود می آورد در این رهگذر ؛ تمامی مردم ایران در برابر سر مایه که تیلور و وجود واقعی آن در رژیم ولایت و جنایت اسلامی ایران بر همگان روشن میباشد قرار دارند و هستند ؛ که زیر بار فقر و خانه خرابی ناشی از سود جوئی نمایندگان خدایان و امامان به انواع و اقسام مشکلات روانی و عصبی و جسمی دچارند و هیچ کس در ایران به آینده خود امید چندانی ندارد ؛ و تنها به امید فردا ، امروز را میگذرانند به جز عده کمی که از طریق سرکوب و جاسوسی و حکومت نمودن وریزه خوار و یا شریک مافیائی های رنگارنگ حکومتی ؛ که خود بهتر میدانید . نگاهی کوتاه به نمونه در آمد های اقشار مختلف طبق آمار های موجود ؛ در مقایسه با خط فقر یک میلیون تومانی و به قول خود باند های رژیم ؛ خط فقر 800 هزار تومانی ؛ برای داشتن دیدی واقعی تر از این موضوع خالی از فایده نیست به عنوان نمونه کارگرانی که در ماه برای دویست هزار تومان باید 12 ساعت جان بکنند بدون بیمه بیکاری و سایر قوانین کارگری مثلاً در کارگاههای بسته بندی پوشاک از ساعت 8 صبح تا 6 بعد از ظهر ماهیانه 180 هزار تومان تا 200 هزار تومان و یا حد اکثر تا 250 هزار تومان درآمد ماهیانه میتوانند داشته باشند ؛ در رابطه با فروشندگان لوازم آرایشی و بهداشتی و پوشاک دقیقاً همین روال طی میگردد ؛ در این قسمت ها اگر فروشنده تازه کار باشد نمیتواند درآمدی بیش از 120 تا 140 هزار تومان در ماه داشته باشد ؛ بازار تاییبست ها بهتر از این ها نیست برای هر صفحه تاییبی 120 تومان پرداخت میگردد و یا اینکه یک تاییبست ماهر ماهیانه حدود 230 هزار تومان میتواند درآمد داشته باشد کارگران ساده ماهیانه حدود 208 هزار تومان دریافت مینمایند و یا کارگران ساده مثلاً در کار چسپ زنی کفش بطور روزانه ده ساعت کار 10 هزار تومان دریافت مینمایند ؛ کارمندان البته اگر آنها را نیز ! از طبقه کارگر بدانیم ! چون که با کامپیوتر و برنامه های کامپیوتری و سر و کار دارند برای کار 12 ساعته در روز از 9 صبح تا 9 شب در کافه نت ها حقوقی برابر با 200 هزار تومان دریافت مینمایند ؛ کارمندان دفتری برای هشت ساعت کار حقوقی معادل 200 هزار تومان به اضافه 15 درصد پورسانت در یافت مینمایند ؛ اگر چه در آگهی های اشتغال و تبلیغات حقوق منشی ها را 300 تا 500 هزار تومان اعلام مینمایند ولی در بسیاری موارد در مقابل 8 یا 9 ساعت کار حقوقی معادل 200 هزار تومان دارند و اغلب اگر با توجه به پاره

(ص - 4) و وقت بودن و تایپ نامه ها و جواب گوئی به تلفن و ... باشد حقوقی به مراتب کمتر دریافت مینمایند

..... در شهرستانها و ضع از این رقت با ر تر است ؛ در مقایسه با تهران حدود 50 تا 60 هزار تومان برای تمامی مشاغل حقوق کمتری در یافت مینمایند و این در حالی است که مثلاً کارگران خباز سقز بار ها و بار ها در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه و یا عدم افزایش حقوق هایشان ، متناسب با اوج گرفتن تورم و گرانی در مقابل اداره کار تجمع و اعتراض نموده اند و یا شرکت هواپیمائی ارم به بهانه عدم توانائی در پرداخت حقوق کارگران و کارمندانش ؛ 75 نفر از کارمندان و کارگزارانش را خراج نمود ؛ کارگران شهرداری بو شهر به دلیل عدم پرداخت سه ماه حقوق معوقه خود در مقابل فرمان داری بوشهر دست به اعتراض زده اند ؛ در عمل دولت عدل علی و امامان و نماینده کار فرمایان و باند های مافیائی ؛ که خود شرکای دزدانند دست غارتگران را در استثمار هر بیشتر کارگران باز گذاشته شرکت آتی سازی یکی از بزرگترین انبوه سازان مسکن است که 40 نفر از کارگوان رسمی خود را بعد از ده سال استخدام رسمی از کار اخراج نموده تا آنها را به شکل قراردادی دوباره استخدام نماید ! شرکت

کروز سازنده قطعات یدکی ماشین های سواری و مینی بوس و هیوندا 25 نفر از کارگزارانش را اخراج نمود ... کارخانه فخر تهران بعلت ! ناتوانی در پرداخت حقوق کارگران 150 نفر از کارگران خود را از کار اخراج نمود و کارگران نوشابه ارم از کار اخراج شدند و اگر از این در گیری های اقتصادی روزانه که در صورت پرداختن به آن مثوی هفتاد من کاغذ خواهد گردید ؛ بگذریم و مقداری کلی تر به مسئله بنگریم شاید خالی از فایده نباشد . تا برایمان ملموس تر گردد که در برابر رژیم عدل امامان و بقول امامشان ؛ دارندگان اقتصاد خر ! که خود سهم همه مردم ایران را برده اند ، و برای مردم فقط آهی مانده که با ناله سودا نمایند . با نگاهی کوتاه به گزارش بانک مرکزی ایران در پایان سال 87 در رابطه با هزینه های جاری خانوار های ایرانی ؛ که در شهر ها نسبت به سال 83 طبق آمار رسمی و دولتی 140 درصد رشد نموده است . (که صد البته برای دقیق تر بودن این آمار باید آنرا در 2 و یا 3 برابر ضرب نمود دقیقاً مانند تقلب های انتخاباتیشان) یعنی از 368 هزار تومان در ماه به 881 هزار تومان افزایش یافته ؛ یعنی به طور متوسط 4/24 درصد رشد داشته ؛ البته به ترتیبی که از سال 83 به سوی 87 میرویم سیر صعودی و سرعت تورم بیشتر میگردد ؛ مثلاً در سال 86 نسبت به سال 83 هزینه هر خانوار رشدی معادل 93 درصد دارد و همین هزینه ها در سال 84 با رشدی حدود 2/139 در صد مواجه میگردیم و در میان خانوار های شهری طی سالهای 84 تا 87 به 6/21 درصد میرسد با توجه به افزایش نرخ تورم ؛ افزایش حقوق کارگران و کارمندان طی همین سالها با درصدی به مراتب کمتر از نرخ تورم اجرا گردید و مثلاً نرخ تورم در سالهای 84 تا 87 معادل 5/16 در صد است در صورتیکه افزایش حقوق کارگران و کارمندان به مراتب خیلی کمتر از رشد نرخ تورم میباشد ... مثلاً نرخ تورم در سال گذشته 5/25 در صد بود در صورتیکه افزایش دستمزد با نرخ 20 در صد افزایش یافت و هم چنین در سال 86 نرخ تورم 4/18 در صد بود و رشد دستمزد ها البته روی کاغذ ؛ رشدی معادل 13 در صد را نشان میدهد ، به عبارتی اگر قیمت اجناس 5 برابر و نیم ... میگردند ؛ حقوق کارگران و کارمندان تنها یک پنجم و نیم رشد مینمایند ؛ تفاوت درآمد و خرج ، چیزی حدود 29 درصد را نشان میدهد و خانه خرابی بی پایان ؛ به عبارتی بسیار گویا مردم پای پیاده بدنبال قیمتها میبوند و قیمتها نیز سوار بر اسب های حضرت عباس در میدان ها و بازار های جمهوری جهل و خرافه اسلامی تاخت و تاز مینمایند . در بخش خوراکی ها و آشامیدنی ها در همین مدت افزایش هزینه حدود 7/101 در صد میباشد ؛ هم چنین کل هزینه های خوراکی و آشامیدنی ها در سال های 83 رقمی حدود 6/138 هزار میلیارد ریال بوده است ؛ که در سال 87 به 5 /279 هزار میلیارد ریال رسیده است و طبق آمار در سال 81 این بخش از مصرف 28 در صد از کل هزینه های هر خانوار شهری بوده است که در سال 87 این سهم از هزینه ها به 6/23 درصد تنزل مینماید به عبارتی مردم حق نوشیدن هر نوشیدنی ای را ندارند . پول و هزینه این نوع مصارف را باید به مصارفی چون مسکن و دارو و درمان و نیاز های ضروری تر برسانند . هم چنین آمار مربوط به هزینه های کفش و پوشاک در سال 87 رقمی حدود 6/6 درصد کل هزینه های هر خانوار را دربر گرفته است در صورتیکه همین آمار نشان میدهد که در سال 83 این رقم حدود 8/32 در صد کل هزینه خانواده بوده است ؛ هزینه پوشاک کل خانواده های شهری در سال 83 حدوداً 8/32 هزار میلیارد تومان بوده است که رشد نرخ آن از 2/112 درصد به 6/69 درصد رسیده بوده است یعنی سه برابر قیمت و... به همین ترتیب هزینه های سوخت و روشنائی و گرمائی و ... رقمی حدود 2/163 درصد رشد داشته است ؛ سرانه هزینه مسکن در سال هر خانوار شهری در سال 83 معادل ماهیانه 116 هزار تومان بوده است که این رقم به عددی حدود 306 هزار تومان رسیده است ... هزینه در مان در سال 87 نرخی حدود 205 درصد رشد داشته است ؛ یعنی مخارج سرانه هر فرد در ایران

(ص - 5) برای مسئله درمان و بهداشت رقمی حدود 6/12 هزار تومان میباشد این رقم در سال 83 ماهیانه 3464 تومان بود ... هزینه های تفریحی نسبت به سال 83 رقمی حدود 5/3 در صد کاهش یافته یعنی مردم حق تفریح ندارند هزینه های مربوط به آموزش و فرهنگ در سال 87 نسبت به سال 83 رقمی حدود 112 در صد رشد نموده است نتیجه ای که از آمار مربوطه میتوان گرفت این است که مردم به علت سیاست های مافیائی و دزدی های بی کران رژیم و باند های مافیائی درونی اش از هزینه های پوشاک و خوراک و بهداشت و کفش و مبل و اثاث خانه و خدمات آموزشی و فرهنگی و تفریحی و باید صرفه جوئی نمایند ؛ تابوتانند در عوض به هزینه های بخش مسکن و روشنائی و سوخت و بهداشت و درمان و حمل و نقل و ارتباطات و برسند . تا حدی که بسیاری از خانواده های کم درآمد تا 70 در صد درآمد ماهیانه خود را صرف هزینه مسکن مینمایند ؛ بر همین روال و مبنا طبق گفته بعضی از مسئولین دولت مافیائی حدود 14 میلیون انسان زیر خط فقر قرار دارند و اگر بر مبنای درآمد ماهیانه 900 هزار تومان در ماه به مسئله نگاه کنیم که بسیار واقعی تر میباشد ؛ با رقمی حدود 35 میلیون انسان روبرو میگردیم که در زیر خط فقر مطلق قرار دارند تا حدی که بسیاری از مردم با درآمدی کمتر از یک دلار در روز زندگی مینمایند ؛ و آقایان در کانادا و استرالیا منطقه ها را میخرند و اتوبان ها میسازند و یا در بازار های بورس سهام ها که نمیخرند و از این اقتصاد بقول اما مشان مال خر ؛ چه سود ها که نمی برند به هر صورت قصدم از آوردن این مقدار از آمار ها این بود که به بینیم در ایران در مقابل این رژیم با تمامی تار و پود ضد بشری و باند های مافیائی اش بعنوان سیستم سرمایه و تبلور استثمار نظام سرمایه برای مردم فقر زده و خفه گردیده و اهانت شده **فقر مبنای کارگر بودن یا نبودن نیست** بلکه رانده شدن بیش از پیش توده های خانه خراب به درون صفوف طبقه کارگر و برای همه مردم تنها یک راه باقی میگذارد ؛ و آنهم ؛ اتحاد و همبستگی با طبقه کارگر جهت سرنگونی این رژیم ؛ و برپائی نظام و سیستم اجتماعی مردمی و برابری طلبانه در ایران . در جامعه ای به هر لحاظ لگد مال شده و عقب مانده ؛ بوجود آوردن نظامی که قبل از هر مسئله ای در برنامه های دراز مدت و کوتاه مدت خود ؛ مبنای ترقی اقتصاد و رشد و شکوفائی جامعه را بر اساس رشد تولید و سایل تولید ؛ بیش از تولید و سایل مصرفی قرار دهد و نه بدتر از هر پدیده ای ؛ بر مبنای واردات و مصرف و شیوه زندگی انگلی و آشغال خوری از پس مانده های امپریالیستی و قرار دهد ؛ (که این انتظار از این رژیم عبث است) و به جای حراج ثروتهای ملی و دادن باج های کلان و امتیازات گوناگون و غارت های بی حساب به امپریالیستها و از وابستگی اقتصادی به کشور های خارجی رهایی یابد و در نتیجه تمامی تولیدات و ارز های موجود که نماینده و حاصل کار ؛ کارگران و زحمتکشان ایرانی است در بانک های خارج تل انبار ن گردد ؛ تا شاید آقا زاده های شریک و همراه دزدان غارت گر ؛ خود ؛ پیشیزی از آن سهم غارت را داشته باشند ؛ و برای جلوگیری از سر کار آمدن حکومتی خونخوار و جنایتکاری دگر و یا تبدیل حکومت های الهی ! به حکومت های از نوع خمینی و شاهنشاهی و برای برقراری نظامی برابری طلبانه و آزادیخواهانه باید از تاریخ بیاموزیم که دولت حزبی و ایدئولوژیک در قدرت ؛ چیزی بیش از این دار و دسته و حاکمان مشابه و به تر از آنها نخواهند بود با هر نام و نشان و مدرک و درجه و ملائکه بودن و و برای برقراری آزادی و برابری ؛ برای همه آحاد مردم در تمامی زمینه ها و رشد و شکوفائی انسان ؛ و نه فقط برای دارندگان قدرت سیاسی و یا حزب در قدرت و حزب هم در دست فلان کسک؛ بلکه از همین امروز برای متحد شدن حول خواسته های بیواسطه طبقه کارگر و سرنگونی رژیم اعدام و شکنجه و همراه با طبقه کارگر برای سرنگونی رژیم جنایت کار اسلامی و تشکیل **دولت طبقاتی کارگران** و زحمتکشان و **نه دولت حزبی** بکوشیم . در تضاد کار و سرمایه این مرز های مصنوعی در بین توده های کار و زحمت را بر چینیم و رژیم اسلامی ایران را در هم بشکنیم . تاریخ از آن ما می باشد . دیروز زود دارد سوخت و سوز ندارد .

سرنگون باد رژیم توتالیتیر و ایدئولوژیک اسلامی ایران

برقرار باد آزادی و برابری

1.11.2009 کاوه آزادی

10 آبان 1388